

## واژه نامه اصطلاحات اقتصادی

اقتصاد آزاد: (Laissez - Faire); واژه فرانسوی به معنای "به حال خود گذاشتن". در سیاست و اقتصاد، به نظریه ای اطلاق می شود که بر اساس آن نظام اقتصادی هنگامی که هیچ دخالتی از سوی دولت اعمال نشود، به بهترین وجه عمل میکند.

اقتصاد آمیخته: نظام اقتصادی که در آن دولت و بخش خصوصی نقش های مهمی در رابطه با تولید، مصرف، سرمایه گذاری و پس انداز ایفا می کنند.

اقتصاد بازار آزاد: اقتصاد ملی یک کشور که در تعیین سطوح تولید، مصرف، سرمایه گذاری پس انداز بدون دخالت دولت، بر نیروهای بازار تکیه دارد.

انجمن ملی معامله کنندگان اوراق بهادار بر مبنای نظام خودکار در ارائه مظنه سهام:

(Nasdaq): شبکه اطلاعاتی خودکاري که فهرست قیمت ها و سهام گوناگون را در قریب به 5000 فقره از فعالترین اوراق بهادار در اختیار دلالت و معامله گران می گذارد.

انحصار دار: فروشنده منحصر به فرد کالا و خدمات در یک بازار.

انقلاب صنعتی: ظهور نظام تولید کارخانه ای که در آن کارگران را در یک کارخانه گرد می آوردند و آنها با ابزار و ماشین آلاتی که در اختیارشان گذاشته می شد، در برابر دستمزد کار می کردند. انقلاب صنعتی با تغییرات چشمگیر در صنعت منسوجات، بویژه در انگلستان و در حدود سالهای 1770 و 1830 آغاز شد. این واژه بطور گسترده تر در رابطه با تغییر پیوسته ساختار اقتصادی در اقتصاد جهان بکار می رود.

اوراق بهادار: برگه های تایید کننده (اوراق بهادار معین) و یا ثبت الکترونیکی (اوراق بهادار) که گواه بر مالکیت بر دارایی (سهام) یا تعهد وام (اوراق قرضه) است.

بازار: صحنه ای که در آن خریداران و فروشندگان قیمتهایی را برای محصولات مشابه و یا با شباهت زیاد به یکدیگر تعیین می کنند و به مبادله کالاها و خدمات می پردازند.

بازار رو به ترقی: بازاری که در آن افزایش متمادی در قیمت سهام مشاهده شود.

بازار رو به تنزل: بازاری که در آن، در زمان کاهش قیمت ها، سهامداران برای فروش سهام هجوم می برند و به حرکت نزولی می افزاینند.

بازار سرمایه: بازاری که در آن اوراق دارایی شرکتها و اوراق قرضه دراز مدت (اوراقی که مدت سررسیدشان بیش از یک سال است) توزیع و معامله می شود.

بازار مشترک: گروهی از کشورها که تعرفه ها و برخی اوقات موانع دیگر را که مغلل بازرگانی آنها با یکدیگر است از میان بر می دارند در حالیکه تعرفه های خارجی معمول بر کالاهای وارداتی از خارج اتحادیه پا برجا ننگه می دارند.

بازرگانی الکترونیکی: داد و ستد انجام شده از طریق شبکه جهانی اینترنت.

بانک ذخیره فرال: یکی از 12 بازوی عملیاتی نظام اندوخته فرال که شعب 25 گانه آن در سراسر آمریکا پراکنده اند و مجموعاً با هم قوانین گوناگون نظام بانک مرکزی آمریکا را به مورد اجرا می گذارند.

بانک بازرگانی: بانکی که انواع و اقسام حساب ها، از جمله حساب جاری، پس انداز و سپرده زمان دار را در اختیار مشتری می گذارد و به افراد و شرکتها وام می دهد. بر خلاف شرکت های بانکی سرمایه گذاری مانند بنگاه های دلالتی که معمولاً با فروش اوراق بهادار شرکت ها یا شهرداری ها سروکار دارند.

بانک مرکزی: مرجع پولی کل در یک کشور که مسئولیت کارهای اساسی چون صدور پول رایج و نظارت بر تنظیم عرضه اعتبار در اقتصاد را به عهده دارد.

بر روی پیش خوان: واژه مجازی از برای تجارت و معامله اوراق بهاداری که در یک بورس سازمان یافته مانند بورس اوراق بهادار نیویورک ثبت نشده است. معامله بر روی پیش خوان توسط معامله گران و کارگزارانی که از طریق تلفن و یا شبکه های کامپیوتری با یکدیگر تماس بر قرار می کنند انجام می گیرد.

برگ قرضه: گواهی نامه ای که نشان دهنده تعهد یک شرکت در قبال دارنده آن دایر بر پرداخت مبلغ ثابتی پول در یک سر رسید مشخص است.

بورس: بازاری منظم برای خرید و فروش سهام و اوراق قرضه.

بورس اوراق بهادار نیویورک: بزرگترین بورس معاملات سهام و اوراق قرضه در جهان.

بورس اوراق بهادار آمریکا: یکی از بورس های مبادلات سهام در ایالات متحده که شامل سهام و اوراق بهادار شرکت های های کوچک تا متوسط در مقایسه با سهام شرکت های عظیم است که در بورس سهام نیویورک مبادله می شود.

بهره وری (میزان تولید): نسبت بازده (کالاها و خدمات) تولید بر واحد ورودی (منابع بارور) در طی زمانی معین.

بیمه سپرده های بانکی: ضمانت دولت آمریکا از سپرده های بانکی تا مبلغی معین - - فعلاً صد هزار دلار.

پرداخت جبرانی: وجه پرداختی از سوی دولت به عنوان جبران خسارت به زارعین از بابت تمام ویا بخشی از اختلاف بین قیمت هایی که در عمل برای یک کالای مشخص به تولید کننده پرداخت شده و قیمت های تضمین شده بالاتر.

تامین اجتماعی: برنامه بازنشستگی دولت ایالات متحده که بسته به سهمیه ای که افراد و کارفرمایان آنها در حین شاغل بودن در این حساب پس انداز می کنند، منافعی را پس از بازنشستگی به آنها اعطا می کند.

تبانی در قیمت گذاری: اقداماتی که معمولاً توسط تعدادی از شرکت های بزرگ که بر یک بازار تسلط دارند، با تثبیت قیمت کالاها ویا خدمات در یک سطح از پیش توافق شده برای فرار از قوانین بازار به اجرا گذاشته می شود.

تبعیض گذاری در قیمت: عمل کردهایی که به برخی از خریداران در مقایسه متیازات بیشتری می دهد.

تجارت آزاد: فقدان تعرفه ها و مقراتی که در جهت کوتاه ساختن داد و ستد و جلوگیری از تجارت در میان ملل وضع شده است.

تراز پرداخت ها: صورت حسابی از ارزش پولی معاملات بین المللی بین یک کشور و بقیه کشورها طی یک مدت معین. این صورت حساب نشان دهنده مجموع معاملات افراد، شرکت ها و سازمان های دولتی یک کشور با بقیه کشورها است.

تعرفه: مالیات بسته شده بر کالاهای منتقل شده از یک منطقه گمرکی به منطقه دیگر چه برای اهداف حمایتی و چه برای کسب درآمد.

تقاضا: مجموع کالاها و خدماتی که مصرف کنندگان طی یک دوره مشخص مایل و قادر به خرید آنها به هر قیمتی هستند.

تورم: میزان افزایش در سطح کلی قیمت تمامی کالاها و خدمات. ( این موضوع نباید با افزایش قیمت کالاها و ویژه نسبت به قیمت کالاهای دیگر اشتباه شود)

تورم رکودی: وضعیت اقتصادی مرکب از تورم پیوسته و رکود داد و ستد اقتصادی.

خدمات: فعالیت های اقتصادی -- مانند حمل و نقل، بانکداری، بیمه، جهانگردی، ارتباطات، بازاریابی، پذیرایی، داده پردازی و مشاوره - - که در حین تولید، مصرف می شوند در مقایسه با کالاهای اقتصادی که ملموس تر هستند.

خصوصی سازی: عمل واگذاری خدماتی که قبلاً توسط دولت تامین می شد به شرکتهای بخش خصوصی.

دارایی: مالکیت چیزی ارزشمند که معمولاً بر معیار پول سنجیده می شود.

درآمد: دریافت حاصل شده ز فروش کالاها و خدمات یک دادوستد

درآمد ناخالص داخلی: ارزش کل بازده یک کشور، در آمد یا هزینه هایی که در محدوده مرزهای آن کشور به بار می آید.

رشد اقتصادی: افزایش ظرفیت یک کشور در تولید کالاها و خدمات.

رفع نظارت: برداشتن کنترل دولت از روی یک صنعت.

رکود اقتصادی: کاهش شدید در فعالیت اقتصادی چه از لحاظ وسعت و دامنه و چه از نظر مدت زمان.

روال سریع: روشهای تصویب شده توسط کنگره آمریکا که بر طبق آن کنگره به لویحی که به وسیله رئیس جمهوری در جهت تأیید و اجرای موافقت نامه های بازرگانی بین المللی آمریکا ارائه می شود طی مدت معینی رای می دهد.

سرمایه: تجهیزات فیزیکی ( ساختمان ها، ابزار و آلات، مهارت های انسانی) بکار رفته در تولید کالاها و خدمات. این اصطلاح همچنین به دارایی شرکتها، اوراق قرضه، اوراق بهادار و پول نقد نیز اطلاق می شود.

سرمایه انسانی: تندرستی، نیرو، آموزش، کارورزی و مهارت هایی که افراد به شغل هایشان عرضه می کنند.

سرمایه گذاری: خرید اوراق بهادار مانند سهام یا اوراق قرضه.

سرمایه گذاری پر مخاطره (فماری): سرمایه گذاری در یک دادو سند تازه و احتمالاً پر مخاطره.

سطح زندگی: حداقل احتیاجات اولیه، رفاهیات و یا تجملاتی که جهت قرار دادن شخص و یا گروهی در وضعیت و یا شرایط مرسوم یا صحیح، اساسی محسوب می شود.

سوسپید (پارانه): امتیاز اقتصادی، مستقیم یا غیر مستقیم، که توسط دولت به تولید کنندگان کالاها و خدمات داخلی، غالباً در جهت تقویت موقعیت رقابتی آنها در برابر کمپانی های خارجی اعطا می شود.

سوسپید (پارانه) صادرات: مبلغ یک کاسه ای که توسط دولت به دستگاه یا شرکتی که کار آن برای رفاه عمومی مفید تشخیص داده می شود اعطا می گردد.

سود سهام: در آمد به دست آمده از نگهداری سهام. این در آمد معمولاً نمایانگر سهمی از سود حاصله است که به نسبت میزان سهم در مالکیت پرداخت می شود.

سوسیالیسم: نظام اقتصادی که در آن ابزار اصلی تولید به طور عمده طبق نوعی سیستم برنامه ریزی مرکزی تحت مالکیت و کنترل جمعی دولت قرار دارد.

سهام عادی: سهمیه در مالکیت یک شرکت.

سهام: مالکیت در دارایی یک شرکت.

سیاست پولی: اقدامات نظام ذخیره فدرال برای مهار کردن میزان نقدینگی و هزینه پول و اعتبار بعنوان ابزاری برای کمک به ایجاد اشتغال در سطح وسیع، ارتقاء رشد اقتصادی، تثبیت قیمتها و ایجاد الگوهای قابل دوام در معاملات بین المللی.

سیاست حمایت از محصولات داخلی: استفاده از محدودیت بر واردات یا تشویق آگاهانه و عمدی این گونه محدودیتها به منظور توانمند کردن تولید کنندگان ناکار آمد داخلی برای رقابت موفقیت آمیز با تولید کنندگان خارجی..

سیاست مالی: تصمیمات دولت فدرال در باره مبلغ پولی که مصرف و یا بصورت مالیات وصول می کند در جهت تأمین اشتغال کامل و اقتصاد غیر تورمی.

طرح نو: (New Deal) برنامه های اصلاحات اقتصادی دهه 1930 در آمریکا که برای کمک به خارج شدن آمریکا از دوران کساد عظیم تدوین شده بود.

نظام بازرگانی آزاد: سیستم تجاری که در آن کشورها اجازه دسترسی آزاد و بدون تبعیض را به بازارهای یکدیگر می دهند.

نظام نرخ برابری ثابت ارز: نظامی که در آن نرخ های تسعیر بین ارز های رایج در سطحی از پیش تعیین شده برقرار می شود و در پاسخ به تغییر عرضه و تقاضا تغییر نمی یابد.

نظام نرخ شناور برابری ارز: نظامی انعطاف پذیر که در آن نرخ ارز توسط نیروهای عرضه و تقاضای بازار و بدون مداخله تعیین می گردد.

شاخص صنعتی داو جونز: (Dow Jones) شاخص بهای سهام، بر اساس 30 نوع از سهام عمده، که بعنوان معیاری برای روند عمومی در قیمت های سهام و اوراق قرضه در ایالات متحده بکار می رود.

شاخص قیمت مصرف کننده: نموداری از هزینه زندگی که به وسیله اداره آمار کار آمریکا بر مبنای قیمتهای واقعی خرده فروشی انواع کالاها و خدمات در یک دوره معین فراهم و جدول بندی می شود و با ارقام یک دوره پایه که هر از چندگاه تغییر می یابد مقایسه می گردد.

شرکت سرمایه گذاری: شرکتی است که به طور منظم سهام تازه صادر و سهام موجود را هنگام درخواست خریداری می کند. این شرکت سرمایه خود را برای سرمایه گذاری در اوراق بهادار گوناگون در دیگر کمپانی ها به کار می اندازد و جوهی را که از افراد جمع آوری کرده از جانب آنها در موجودی اوراق بهادار سهام گوناگون سرمایه گذاری می کند.

صادرات: کالاها و خدماتی که در داخل تولید و به خریداران کشور دیگر فروخته می شود.

عرضه: جدولی از آنچه که تولید کنندگان مایل و قادر به فروش آنها به هر قیمت ممکن طی مدت معینی هستند.

عرضه پول: مقدار پولی (سکه، اسکناس و حساب های جاری) که در اقتصاد یک کشور در جریان است.

غذا برای صلح: برنامه ای که ترتیب ارائه محصولات کشاورزی آمریکا را به خارج فراهم می سازد.

فروش زیر قیمت تمام شده (قیمت شکنی): به موجب قوانین آمریکا، فروش یا صادرات کالا به ایالات متحده به قیمتی "کمتر از ارزش منصفانه بازار" ، وقتی که چنین فروش هایی عملاً صدمه به تولید کنندگان محصولات مشابه در آمریکا وارد کند یا آنها را در معرض چنین تهدیدی قرار دهد.

قانون ضد تراست: خط مشی و یا عملی که هدف آن کوتاه کردن دست قدرت های انحصار طلب در یک بازار است.

کساد: کاهش شدید در فعالیت های کلی اقتصادی در برحسب مقدار و / یا طول مدت.

کسری بودجه: مبلغی که دولت سالیانه بیش از درآمد خود هزینه می کند.

کسری موازنه بازرگانی: مقداری که واردات یک کشور بر صادرات آن پیشی گیرد.

کشت و صنعت: واژه ای که نمایانگر ماهیت عظیم و شرکت گونه و برخی از مؤسسات کشاورزی در اقتصاد امروزی آمریکا است.

کمک به قیمت های کشاورزی: کمک دولت فدرال به کشاورزان برای حمایت از آنها در مقابله با عوامل نامساعدی چون آب و هوای بد یا مازاد تولید.

کمپسیون اوراق بهادار و مبادلات ارزی (SEC): یک دستگاه نظارت کننده مستقل ، غیر حزبی و نیمه قضایی که مسئول اجرای قوانین فدرال اوراق بهادار است. هدف از وضع این قوانین حمایت از سرمایه گذاران و حصول اطمینان از دسترسی آنان به تمامی اطلاعات مربوط به اوراق بهادار عمومی است. کمپسیون همچنین بر کار شرکت هایی که در خرید یا فروش اوراق بهادار دست دارند، کسانی که در زمینه سرمایه گذاری نظر مشورتی در اختیار افراد می گذارند و نیز بر کار شرکت های سرمایه گذاری نظارت دارد.

مازاد بودجه: مبلغ سالیانه ای که دولت بیش از مصرف خود در می آورد.

مازاد تجارت: مقداری که واردات یک کشور از صادرات آن کشور پیشی گیرد.

مالکیت معنوی: مالکیتی که گواه آن ثبت اختراع، ثبت علائم تجاری و حق تألیف است. این مالکیت حق تصرف، استفاده و یا در اختیار گرفتن محصول ابتکار انسانی را به [صاحبان آن] اعطا می کند.

مزایای اضافی: امتیازات غیر مستقیم و غیر نقدی مانند بیمه بهداشت، بیمه عمر ، سود سهام و جز آن که علاوه بر دستمزد و مزایای حقوقی توسط کارفرمایان به کارمندان داده می شود.

معاملات سلف خری: قراردادهایی که مستلزم تحویل کالایی با کیفیت و کمیت معین و قیمت مشخص در یک موعد مقرر در آینده است.

ممانع غیر تعرفه ای: اقدامات دولتی نظیر سیستم های نظارتی و وضع عوارض گوناگون ، علاوه بر تعرفه هایی که واردات را محدود می کند یا به صورت بالقوه توان محدود ساختن بازرگانی بین المللی را دارد.

معیار طلا: نظام پولی که در آن ارزش پولهای رایج برحسب وزن مشخص طلا تعیین میشود.

نرخ تسعیر: نرخ، یا قیمتی، که بر اساس آن، پول رایج یک کشور با پول رایج کشور دیگری معاوضه می شود.

نرخ تخفیفی: نرخ بهره ای که از طرف بانکهای بازرگانی برای دریافت وام از بانکهای ذخیره فدرال پرداخت می شود.

نظارت: تنظیم و انتشار ضوابط و مقررات ویژه از سوی سازمان های مجاز تحت نظارت قانونی، در جهت اداره و سازمان دهی یک فعالیت یا صنعت مشخص.

نظارت اجتماعی: محدودیت هایی که توسط دولت به منظور منع و یا جلوگیری از اعمال زیانبار شرکت ها ( چون آلودگی محیط و یا قرار دادن کارمندان در وضعیت های کاری خطرناک) و یا برای تشویق رفتار های مطلوب اجتماعی اعمال میشود.

نظام ذخیره فدرال: مرجع اصلی پولی ( بانک مرکزی) در ایالات متحده که پول رایج را چاپ و بر عرضه اعتبار در اقتصاد نظارت می کند و این دستگاه از یک هیئت مدیره هفت نفری در واشنگتن دی سی، 12 بانک ذخیره فدرال منطقه ای و شعبات 25 گانه آنها تشکیل شده است.

نظام سرمایه داری ( کاپیتالیزم): نظام اقتصادی که در آن ابزار تولید در مالکیت و کنترل خصوصی است و مشخصه بارز آن رقابت و منفعت جویی است.

نظام کسب و فعالیت آزاد: نظام اقتصادی که مشخصه آن مالکیت بر دارایی ها و منابع تولیدی، انگیزه سود در به خاطر تولید بیشتر، رقابت به خاطر تضمین کار آیی و دخالت نیروهای عرضه و تقاضا که در جهت دادن به تولید و توزیع کالاها و خدمات است.

نظام شناور تحت کنترل: نظام مبادله ارزی که در آن نرخ بیشتر پول های رایج شناور و متغیر است و لی بانک های مرکزی برای جلوگیری از تغییرات ناگهانی مداخله می کنند.

نیروی کار: در آمریکا، به تعداد کل افراد شاغل و یا درصد یافتن شغل اطلاق می شود.

واردات: کالاها و یا خدماتی که در کشوری دیگر تولید شده و در داخل یک کشور بفروش می رسد.

هراس زدگی: برداشت های پی در پی و غیر مترقبه نقدی از بانک ها که به سبب کاهش ناگهانی در اعتماد دارندگان حساب و یا ترس از اینکه بانک توسط موسسه امتیاز دهنده تعطیل شود، بوجود می آید. به عبارت دیگر، بسیاری از دارندگان حساب به طور همزمان پول نقد از بانک برداشت می کنند. از آنجائی که سپرده نقدی که یک بانک در اختیار دارد فقط بخش کوچکی از سپرده های آن بانک را تشکیل می دهد، تعداد زیاد برداشت در یک مدت کوتاه موجودی نقدی را از میان می برد و بانک را مجبور به بستن درهای خود و یا احتمالاً خارج شدن از کار می کند.

این واژه نامه بر مبنای واژه نامه های اینترنتی توسط بانک ذخیره فدرال سانفرانسیسکو (Federal Reserve Bank of San Francisco)، بانک ذخیره فدرال مینیاپولیس (Federal Reserve Bank of Minneapolis)، هیئت تجارتي ویرچوال (Virtual Trade Mission) و شورای آموزش اقتصادی ویسکانسین (Wisconsin Economic Education Council)، تهیه شده است.